

## اصول اخلاق اداری از منظر دین اسلام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۳۱

حسین الهی راد<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف از مقاله کنونی، تعریف ماهیت جنبه‌های اسلامی در زمینه مدیریت دولتی و اصول اخلاق اداری است. دین اسلام به تعریف مسیر کامل زندگی می‌پردازد و به تعلیم و پرورش شخصیت مدیران از طریق اعتماد، صداقت، اخلاق، نزاکت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی پرداخته و همچنین به بحث در مورد خصوصیات ذاتی انسان به منظور ارائه مباحث جامع شامل ارزش‌های اخلاقی انسانی به‌ویژه در زمینه مدیریت دولتی می‌پردازد. طبیعتاً، اسلام به عنوان یک دین مدیرمحور است و به ترکیب نظامنامه‌های اخلاق حرفه‌ای در بخش خدمات شهری می‌پردازد که شامل مبانی اخلاقی مستخدمین کشوری است. مدیریت دولتی به عنوان بخش اجرایی دولت بوده که اتکایش روی مقامات دولتی برای اجرای سیاست‌های دولت است. از منظر اسلامی، مدیریت دولتی شامل مجموعه‌ای از افراد (کارکنان دولت اسلامی) است که به اجرای دستورات دولت اسلامی روی شهروندان و مدیریت امور دولتی طبق اسلام پرداخته و بر مبنای شریعت اسلامی به اداره کشور می‌پردازد. بعلاوه، اصول اخلاقی اداری به تعریف نظامنامه اخلاق حرفه‌ای در بخش خدمات شهری پرداخته و همراه با دستورالعمل‌های گسترده‌ای به منظور پرورش شخصیت مدیران تحت قیومیت اسلام است. دین اسلام به القای ارزش‌های اخلاقی اداری و مسئولیت‌هایی می‌پردازد که به عنوان بخش یکپارچه‌ای از مدیریت دولتی به منظور اجرای موفق پروسه‌های دولتی و سیاست‌های دولت است. این ارزش‌ها با توجه به کاربرد موثر و کارآمد مرجعیت به منظور تعالی روح انسان گسترش

<sup>۴</sup> دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم، danieltehrani۲۲@gmail.com

می‌یابد که باعث می‌شود انسان نسبت به خداوند بزرگ، رهبران اجرایی دولت اسلامی (خلیفه) و عموم مردم، با توجه به مسئولیت‌ش در دولت اسلامی حساس‌تر باشد.

**کلیدواژه:** اسلام، اصول اخلاقی، ماهیت، مدیریت دولتی

## ۱. مقدمه

مدیریت دولتی به معنای دولت فعال است که این فعالیت‌ها توسط گروهی از افراد یا کارمندان منتصب (یعنی مقامات دولتی) به اجرا در می‌آید. از جنبه اسلامی، مدیریت دولتی شامل مجموعه‌ای از افرادی است که به اجرای دستورات دولت اسلامی روی شهروندان، و مدیریت امور پرداخته و کشور را بر مبنای شریعت اسلامی اداره می‌کند. محتمل است که پژوهشگران به این مبحث بپردازند که دین اسلام کمکی به چگونگی سازماندهی و مدیریت در حوزه فعالیت دولتی می‌کند. (Drechsler, Islamic public administration in Europe In The Palgrave Handbook of Public Administration and Management in Europe, ۲۰۱۸: p. ۲۱)

بعلاوه شواهد نشان می‌دهد که دولت اسلامی مدت‌ها پیش از کشورهای اروپایی دارای مدیریت دولتی کامل، توسعه‌یافته و عملیاتی بوده و به این ترتیب مدیران به انجام وظایفشان طبق منافع مردم می‌پردازند (Samier, Islamic Public Administration Tradition: Historical. Theoretical and Practical Dimensions. Administrative Culture. ۲۰۱۷: p.p ۳۲-۳۲), (Salleh & Mohamad, Islamic principles of administration: implications on practices in organization, ۲۰۱۲, p.p ۵۳-۷۱)

اصول مدیریت اسلامی را می‌توان در هر سازمانی پیاده‌سازی کرد و تاثیر آن متمرکز بر فعالیت‌های مدیریتی، شیوه‌های استخدامی و آموزش و پرورش مدیران است (Salleh & Mohamad, Islamic principles of administration: implications on practices in organization, ۲۰۱۲, p.p ۵۳-۷۱). در مجموع، مدیریت دولتی در اسلام شامل مجموعه بهم‌پیوسته‌ای از مقامات دولتی کشور اسلامی است که طبق قوانین و رویه‌های مشخصی کار می‌کنند تا به تحقق اهداف حاکمیتی بر مبنای سیاست‌های دولت (یا سیاست شریعت) و برنامه‌های مدون رهبران دولت اسلامی و تمام اعضای مجلس شورا (مجمع)، بپردازند.

واژه قرآنی «Yaabbiru» به معنای مدیریت و همچنین دارای معنای همچون هدایت، انجام، مدیریت، اجرا، مهندسی، راهنمایی، تدبیر، صف‌ارایی، کنترل، مسئولیت، مدیریت خوب، صرفه‌جویی، برنامه‌ریزی، و مدیریت مسیر کسب و کار است (Cowan, The Hans Wehr Dictionary of modern Written Arabic, ۱۹۷۶: p. ۷۲).

همچنین واژه «Yedabbiru» در قرآن در آیه‌های (سوره نساء: آیه ۵۹؛ سوره سجده: آیه ۵؛ سوره یونس: آیه ۳؛ سوره الرعد: آیه ۲) آورده شده است. خداست آن ذات پاکی که آسمانها را چنان که می‌نگرید بی‌ستون برافراشت آن‌گاه بر عرش قرار گرفت و خورشید و ماه را مسخر اراده خود ساخت که هر کدام در وقت خاص به گردش آیند، امر عالم را منظم می‌سازد و آیات (قدرت) را با دلایلی مفصل بیان می‌دارد، باشد که شما به ملاقات پروردگار خود یقین کنید (سوره الرعد: آیه ۲). در مدیریت اسلامی، شریعت روی تمام جنبه‌های مدیریت همچون استخدام، بودجه‌ریزی، کارایی، ارزیابی، و تحلیل سیاست‌ها، تاثیرگذار است. در قرآن کریم خداوند می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را اطاعت کنید؛ پس هر گاه در امری اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به خدا و پیامبر عرضه بدارید، این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است. مدیریت دولتی در اسلام دارای اصول خاصی در ماهیتش است اگرچه به عنوان تنها دستورالعمل نیست اما عملکرد افراد را از لحاظ معنوی و اخلاقی شکل می‌دهد.

(Qadri, The Administration of Prophet Muhammad (PBUH) and Its Impact on the Contemporary, (۲۰۱۶), p ۱۱)

این نوع مدیریت منجر به یک حاکمیت فعال در بنیان جوامع انسانی بر مبنای مدیریت آموزشی و تعلیمی می‌شود زیرا به عنوان بخش جدای‌ناپذیری از مدیریت در لوای پیامبر کریم و خلفای کلیسای ارتدوکس است.

(Qadri, The Administration of Prophet Muhammad (PBUH) and Its Impact on the Contemporary, (۲۰۱۶), p ۱۱)

اصول اخلاقی به تعریف قوانین و نظامنامه اخلاقی بر طبق به صلاحیت ارزش‌های اخلاقی می‌پردازد به ترتیبی که از اصول اخلاقی مدیریت می‌توان تحت عنوان اصول اخلاقی خدمات اجتماعی یا اصول اخلاقی مقامات دولتی، یاد کرد. بعلاوه، اصول اخلاقی مدیریت را می‌توان بر مبنای اجرای سیاست‌های عمومی و قوانین دولتی پایدار به همراه افراد یا مقامات دولتی دیگر بر طبق عملکرد اخلاقی و نظامنامه‌های اخلاقی مشخص، تعریف کرد. همچنین این بحث مطرح شده است که بر مبنای شریعت اسلامی، یک نظام اخلاقی جامعی مطرح می‌شود که به تعیین چگونگی اجرا، سازماندهی و حاکمیت می‌پردازد

(Lewis, ۲۰۰۶): p. ۸۶ (Mervyn, Accountability and Islam, ۲۰۰۱): pp. ۱۰۳-۱۲۷).  
Islam and accounting. In Accounting forum, (۲۰۰۱): pp. ۱۰۳-۱۲۷).

اصول اخلاقی اداری در اسلام شامل مجموعه‌ای از اصول، ارزش‌ها، اعتماد، هنجارها یا ارزش‌های اخلاقی یک مدیر یا مستخدمین کشوری است. همچنین اصول اخلاقی مدیریتی در جنبه‌های اسلامی شامل سیره اخلاقی و پیاده‌سازی زندگی اصولی بر مبنای احکام اسلامی است تا باعث ایجاد مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، تلاش حداکثری، و شایستگی مدیریتی در مردم شود که در نهایت باعث بهبود کیفیت کارها بدون هیچ گونه تبعیضی از لحاظ نژاد، رنگ پوست، مذهب در جوامع مسلمان می‌شود.

(Husin & Norhasniah, Work ethics from the Islamic perspective in Malaysia, (۲۰۱۲), p.p ۵۱-۶۰)

مدیران جزو مقامات دولتی هستند که به اجرای سیاست‌های دولتی می‌پردازند و اینکه ارزش‌های اخلاقی اداری آن‌ها را تبدیل به یک مدل نقش‌پذیر و یک فرد مسئول کارآمد در اجرای سیاست‌های دولتی به نفع زندگی اجتماعی، می‌کند. اصول اخلاقی در مدیریت اسلامی ترکیب می‌شود و باعث تغییر عملکردها از لحاظ رفتار، خصوصیات، و اقدامات صورت گرفته توسط افراد خاص در دستیابی به کیفیت بالای زندگی می‌شود (نجاری، کرامتی انسانی و سازمان، ۱۳۸۵، ص ۲۱۲). اگر مدیریت دولتی هر دو بُعد اصول اخلاقی (اهداف) و عملکرد

(مهارت) را تحت پوشش قرار دهد، می‌تواند همیشه در پیوند با مدیریت خوب، کار خوب و استانداردها باشد

(Drechsler, hat is Islamic Public Administration and why should westudy it in the"Second World"?, ۲۰۱۴, p.p. ۱۲۳-۱۴۲)

همچنین پال اچ اپلبای به این مبحث پرداخته است که اخلاقیات و مدیریت به عنوان دو عنصر جدای ناپذیر از یکدیگر هستند. مشکلات مدیریتی در جامعه مسلمان به دلیل غفلت از کاربرد عملی اصول اخلاق مدیریت اسلامی است که این مورد توسط چندین پژوهشگر عنوان شده است به اینصورت که کارفرمایان و کارکنان در کشورهای مسلمان نسبت به سرزندگی اصول اخلاق اداری بی‌توجه بوده و این روند منجر به کاهش کیفیت کار و عدم رضایت کارکنان نسبت به وظایف‌شان می‌شود

(Husin & Norhasniah, Work ethics from the Islamic perspective in Malaysia, (۲۰۱۲), p.p ۵۱-۶۰), (Al – Attas, Islam and secularism. Kuala Lumpur, ۱۹۷۸: p ۳۵)

رفتار اخلاقی مستخدمین کشوری باعث می‌شود که خصوصیات اخلاقی اسلام در جوامع مسلمان پیاده‌سازی شود که این روند باعث ایجاد ساختار زندگی بر مبنای صداقت، تقوا، مدیریت اخلاقی بدون فساد، شایستگی، و ثبات در صلاحیت افراد می‌شود. «و خداوند کسانی را که در کارشان ثابت‌قدم و راسخ هستند، دوست دارد». شایستگی مقامات، نقش مهمی در اوج تمدن اسلامی دارد به گونه‌ای که اسلام مقامات بی‌صلاحیت را عامل سقوط تمدن می‌داند و طبق گفته سنت پیامبر بزرگ: «اگر افراد بی‌صلاحیت مناصب را بدست گیرند، به معنای پایان دنیاست (راوی حدیث بخاری، ابو هریره).

## ۲. ماهیت مدیریت اسلامی

طبیعتاً، اسلام به عنوان دینی با محورین رهبری است و به گفته پیامبر بزرگ «وقتی سه نفر به مسافرت رفتند باید یکی را به عنوان فرمانده (یا رهبر، مدیر، و ناظر) انتخاب کنند. این سنت به تعیین وظایف برای هر سه فرد می‌پردازد و یک زندگی سازمانی را برای همین حداقل

تعداد افراد ایجاد می کند تا به طراحی و اجرای مدیریت در امورشان پردازند و در صورتیکه دو نفر با هم به مشکل برخوردند نفر سوم به انجام اموری پردازد که تا اختلافات و مشاجرات بین آنها را حل کند. دین اسلام تلاش می کند تا انسانها را به کار بگمارد و حکومتها قابل مدیریت باشند که این روند منجر به الگوی زندگی مشارکتی موفقی می شود و زندگی که در آن مشارکت وجود نداشته باشد، بی معناست مگر اینکه در آن جامعه اصلا دولتی برپا نباشد. در دین اسلام، خداوند به عنوان گرداننده کل دنیاست و قوانین و پیامبرانش برای تمام بشریت فصل الخطاب هستند.

فراگیری اعتقاد به اسلام باعث شده که مدیریت اسلامی تبدیل به یک مدیریت جهانی شود که منجر به ارزشهای اخلاقی جهانی و اصول مقتضی شده است. این روند به صورت دائمی و رو به تغییر (یعنی پویا و نوآورانه) است و منطبق با مفهوم روشهای مدیریت خارجی بوده و از این ارزشها به شیوه مخصوص خود استفاده می کند. مدیریت اسلامی به عنوان نوعی مدیریت اخلاقی بوده و بر مبنای سازوکار جامع و واضح زندگی است. عملکرد خدماتی در مرکز مدیریت اسلامی قرار دارد و بر این اساس است که رهبر مردم کسی است که باید به آنها خدمت رسانی کند. به گفته پیامبر بزرگ، بهترین حاکم کسی است که نسبت به مردمش مهربان بوده و مشکلات مردمش را حل می کند «یعنی کارها را برای مردم ساده و راحت می کند و سختی و مشکلات را از بین می برد، به مردم خبرهای شاد و دلخوش کننده می دهد و باعث ایجاد نفرت نمی شود» مدیریت دولتی به عنوان یکی از بخشهای جدای ناپذیر اسلام است که باید در حکومتها به اجرا در آید که شامل مؤلفه های مهم اصول اخلاقی و مدیریت خوب است. این نوع مدیریت به صورت منطقی، غیر شخصی، و بی طرفانه در مسیر توزیع امور کشوری است که بصورت یک روند تدریجی و مستمر است.

ماهیت مدیریتی اسلام، منطبق با عملکرد سازمان یافته ای است و باعث ایجاد مدیران کارآمدی می شود تا به اجرای سیاستهای دولتی حکومتهای اسلامی در سایه شریعت اسلامی پردازند. تصمیمات مدیریتی اتخاذ شده توسط پیامبر بر مبنای طراحی، سازماندهی و

اجرای برنامه مهاجرت مسلمانان به کشور حبشه بود و استراتژی‌های روشن فکرانه‌ای توسط او در جنگ احد و بدر بکار گرفته شد که چشم‌انداز مدیریتی خوب او در زمینه انتقال این افراد و انتخاب یک محل استراتژیک و عالی برای سربازان، مورد ستایش نخبگان جهان قرار گرفته است.

- مدیریت اسلامی یک شیوه دائمی و انعطاف‌پذیر (یعنی پویا و خلاقانه) است.
- مدیریت اسلامی بصورت فراگیر است.
- این نوع مدیریت از روش‌های مدیریتی خارجی استفاده نموده و آن را به شیوه اختصاصی بکار می‌برد.
- مدیریت اسلامی امکان اجتهاد را فراهم می‌کند که به انکار تجارب انسانی و روش‌های عقلانی نمی‌پردازد.
- مدیریت اسلامی، نوعی مدیریت اصول اخلاقی است.
- مدیریت اسلامی، نوعی مدیریت شفاف‌سازی است.
- مدیریت اسلامی دارای ماهیت اجتماعی و انسانی است.
- مدیریت اسلامی، نوعی مدیریت هدف‌محور و رفاهی است.
- مدیریت اسلامی، نوعی مدیریت رفاهی است و به عنوان اصول اسلامی است که در کشورهای مرفه به اجرا در می‌آید.
- مدیریت اسلامی که یک فرایند عقلانی، بی‌طرفانه و مستمر است.
- این نوع مدیریت دارای نقش اجرایی است که مسئولیت آن، مدیریت امور است.
- مدیریت اسلامی، نوعی مدیریت همگانی است که در آن هر فرد حداقل دارای حقی برای اجرای قوانین اسلامی در جامعه است جز در مواردی که قانون نهی کرده باشد.
- مدیریت در حکومت‌های اسلامی نه تنها برای حفظ قانون و نظم، بلکه بصورت خدمات‌محور بوده و یک جو اخلاقی و معنوی را ایجاد می‌کند.

### ۳. اهمیت اصول اخلاق مدیریتی

اصول اخلاق مدیریتی برای ضوابط درست یا غلط مقامات دولتی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مشخص می‌کند چه فعالیت‌هایی باید توسط بشر از نقطه نظر وظایف، اصول،



فضیلت‌های خاص یا منافع جامعه صورت گیرد. بعلاوه، اصول اخلاقی اسلامی به عنوان یکی از خصوصیات خوب تعریف می‌شود.

(Maududi, Islamic way of life, (۱۹۶۷): p ۴۲)

نیروی محرک در اصول اخلاقی اسلامی بر مبنای این مفهوم است که از بشر در تمام جنبه‌های زندگی اش از لحاظ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی حمایت کند «یعنی امر به معروف و نهی از منکر». بعلاوه، اصول اخلاقی قرآنی انسان را به انجام کارهای خوب و برای رضایت مخلوقات هدایت می‌کند که در آیه زیر آورده شده است «کسانی که ایمان دارد و کارهای خوب انجام می‌دهند جزو بهترین مخلوقات هستند (سوره البینه، یه ۷). سرزندگی اصول اخلاقی جزو بخش جدای‌ناپذیری از آموزه‌های اسلامی است بنابراین دانشمندان مسلمان به گسترش اصول اخلاقی مذهبی قرآن و حدیث با جزئیات گسترده در تمام دوران می‌پردازند. این حقیقت را نمی‌توان انکار کرد که اصول اخلاقی و ارزش‌ها به شیوه مختلفی مورد توجه قرار می‌گیرند، اما اگر این اصول اخلاقی و ارزش‌ها دارای مبدا پایدار و یکپارچه‌ای به عنوان مثال از قرآن کریم باشد، این اختلافات از بین رفته و به این ترتیب رضایت شغلی و کیفیت زندگی در یک مفهوم حقیقی شکل می‌گیرد (Salleh & Mohamad, Islamic principles of administration: implications on practices in organization, ۲۰۱۲, p.p ۵۳-۷۱), (Husin & Norhasniah, Work ethics from the Islamic perspective in Malaysia, (۲۰۱۲), p.p ۵۱-۶۰)

بعلاوه، اهمیت اصول اخلاق مدیریتی از جنبه اسلامی را می‌توان به صورت زیر تعریف نمود.

- اصول اخلاقی مدیریت اسلام باعث می‌شود که مدیران، حاکمان و مقامات دولتی مسلمان به خدا و انسان با توجه به اقداماتشان پاسخگو باشند.
- این اصول اخلاقی به تعریف شخصیت افراد پرداخته و باعث ایجاد محدودیت‌های خاصی برای اجرای خدمات اداری بر طبق به قوانین اسلامی می‌شود.

- این اصول اخلاقی می‌تواند به مدیران کمک کند تا به جایگاه خودشان در جامعه از طریق بکارگیری ارزش‌های اخلاقی و شیوه‌های معنوی، دست یابند.
  - اصول اخلاقی در مدیریت دولتی باعث تحریک اجرای امور دولتی به شیوه خوب و اصول طراحی جامعه می‌شود.
  - این اصول اخلاقی باعث می‌شود که مدیران با توجه به پارامترهای اصول استاندارد و ارزش‌های اخلاقی، کار کنند.
  - اصول اخلاقی مدیریت باعث می‌شود که مقامات دولتی برای ارائه موثر خدمات و دسترسی به موقع به اداره امور، پاسخگو باشند.
  - وظیفه رهبران از لحاظ اصول اخلاقی مدیریت اینست که مشخص کنند منافع عمومی در شرایط خاص شامل چه چیزهایی می‌شود.
- اصول اخلاق مدیریتی اسلام باعث می‌شود که یک مدیر به عنوان فردی باتقوا، پرهیزکار، ثابت‌قدم، دارای عزت نفس، بوده و از لحاظ اخلاقی به عنوان یک فرد نجیب باشد. نهادینه کردن اصول اخلاقی باعث ایجاد ضوابط، رفتار اخلاقی و یک رویه مناسب زندگی می‌شود. ارزش‌های اخلاقی منجر به تجسم اصولی می‌شود که باعث تبدیل امور مادی به موفقیت‌های معنوی ابدی خواهد شد. با توجه به این، انسان خودش را مقید به مؤلفه‌های اخلاقی همچون برابری، نیکی، برادری، بردباری، بخشش، صداقت، ساده‌زیستی، نزاکت، تقوا، غیبت نکردن، همسایگی، عفت، عدالت، انسجام اجتماعی، یکپارچگی، همدردی، رفاه، عشق، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری می‌داند. در نتیجه، یک جامعه انسانی شکل گرفته و رفاه اجتماعی جنبه عمل به خود می‌گیرد. بعلاوه، آرامش، آسایش خاطر، شکیبایی، و موازنه جامعه، غالب می‌شود.

#### ۴. شاکله نظام مدیریت اسلامی

بنابر آنچه تا کنون مطرح شد، می‌توان گفت هر ایدئولوژی با ارائه پیش فرض‌های گوناگون در زمینه‌های مختلف، فرهنگ خود را تحقق می‌بخشد و این فرهنگ بنیانی برای بسیاری از حوزه‌های اجتماعی از جمله مدیریت پدید می‌آورد. ایدئولوژی هم از نظر باز

پرداخت روابط و پدیدارهای انسانی و هم از نظر پیش انگاشت های ذهنی شخصی محقق، همه بنیاد های فلسفی تحقیق را تحت تاثیر قرار می دهد و به عبارتی بازتاب عینی خود را روی هستی شناسی، معرفت شناسی، روان شناسی و روش های تحقیق برای جای می نهد. نگرش به هستی، انسان و دیگر تمایلات متافیزیکی از جمله پیش فرض هایی است که قبل از ورود به هر تحقیقی به موضوعات و مسائل مورت تحقیق تعیین می بخشد. پیش فرض های متأثر از ایدئولوژی در بسیاری از موارد از جمل تعیین مسائل و تبیین راه حل آنها نقش عمده دارد که در حقیقت بخشی از این پیش فرض ها از گزاره های دینی نشأت می گیرد. بنابراین می توان گفت گستره ی عظیمی از روابط اسلام و مدیریت از طریق شکل دهی پیش فرض هایی است که در تعیین مسائل مدیریتی و برگزیدن پاسخی برای آنها تاثیر گذار است. علی رغم وجود مسائل و راه حل های مشترک بشری، هستی شناسی و انسان شناسی اسلامی، طبیعتاً نظام مسائل و راه حل های مدیریتی متفاوتی پدید می آورد و فرهنگ دینی بوجود آمده از پیش فرض های ایدئولوژیک، اثرات خود را از طریق جهان بینی و نظام ارزش اسلامی در شکل گیری نظام مسائل بومی مدیریت و فرهنگ سازمانی بومی می گذارد؛ این اساس فرآیند تصمیم گیری طی شده و اقداماتی انجام می شود؛ که در آینده می تواند گزاره های دانش مدیریت اسلامی را شکل داده و بازدهی و افزایش کارایی را در جهت هدف غایی خلقت محقق می کند.

در نگاره ی فوق مشخص است هر ایدئولوژی - از جمله ایدئولوژی اسلامی - بر پیش فرض های افراد تاثیر گذاشته و از این طریق در شکل دهی فرهنگ جامعه نقش اساسی ایفا می کند. گزاره های فرهنگی، هم آموزه های دانش مدیریت رایج را تحت تاثیر قرارداده و هم راه را برای شکل گیری «نظام مسائل بومی سازمان و مدیریت» و «فرهنگ سازمانی بومی» هموار می کند. جمیع این موارد که تصمیم گیری را متأثر می سازند، اجزای منظومه ی دانش مدیریت اسلامی را - یا وصفی که پیش تر ذکر آن رفت - شکل می دهند. در آخر، تصمیم اتخاذ شده - با هدف بازدهی و افزایش کارایی و هدف عبادت خداوند - بر گزاره های

منظومه‌ی دانش مدیریت اسلامی تاثیر گذاشته، سبب غنای آنها می‌شود و این چرخه برای اتخاذ تصمیمات اسلامی و تولید دانش مدیریت اسلامی ادامه می‌یابد.

### ۵. استقرار عملی نظام مدیریت اسلامی

بر اساس شاکله‌ی نظام مدیریت اسلامی، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های مربوط به استقرار آن، مبتنی بر مفهوم فرهنگ سازمانی است. آداب، رسوم، سنن و شیوه‌ای که یک سازمان کارهای خود را از آن طریق انجام می‌دهد تا حد زیادی به گذشته و تجربیات موفقیت آمیزی که آن سازمان در این زمینه داشته است بستگی دارد. این موضوع ما را به منبع اصلی فرهنگ سازمانی، یعنی بنیان‌گذاران آن رهنمون می‌شود. یا بنیانگذاران یک سازمان در صحنه‌ی ایجاد فرهنگ اولیه، نقش اصلی و بسیار حیاتی ایفا می‌کنند. آنان درباره‌ی موجودیت سازمانی که تاسیس می‌کنند و این که چه باید بشود، نظر مشخص یا ماموریت معینی دارند. عادات، رسوم و مرام گذشته هیچ نوع محدودیت یا قید و بندی را بوجود نمی‌آورند. معمولاً هر سازمان نخست به صورت یک واحد کوچک تاسیس می‌شود و مؤسسان یا بنیان‌گذاران آن می‌توانند دیدگاه یا نظر خود را بر اعضای سازمان تحمیل کنند. فرهنگ سازمانی محصول و نتیجه‌ی روابط متقابل یا متعاملی است که بین (۱) تعصبات و اصول مورد قبول بنیان‌گذاران، و (۲) آنچه اعضای سازمان در بدو استخدام می‌آموزند و نیز آنچه بعداً خواهند آموخت، برقرار می‌گردد.

آنچه در فوق گفته شد را می‌توان بصورتی عینی در سبک مدیریت ژاپنی ملاحظه کرد. در این زمینه بر خلاف تصور افرادی که دلیل پیشرفت صنعت ژاپن را در تکنولوژی می‌دانند باید گفت که پیشرفت ژاپن بیشتر متکی بر روش خاص مدیریت ژاپنی می‌باشد که مبتنی بر فرهنگ مسلط بر شرکت‌ها و موسسات است. اوچی معتقد است: «فرهنگ مسلط بر شرکت‌ها و ارزش‌های حاکم بر آن فرهنگ را نمی‌توان جدا از ارزش‌های اجتماعی جوامع دانست.» به عبارت دیگر اگر جامعه‌ای از دید اجتماعی به قهقرا برود، بی‌تردید مدیریت سازمان‌ها هم که از مسائل فرهنگی و اجتماعی مقدور و میسر است.

صاحب نظران مدیریت، تصمیم‌گیری را جوهر تمامی فعالیت مدیریت می‌دانند و معتقدند تصمیم‌گیری از اجزای جدایی‌ناپذیر مدیریت به شمار می‌آید و در هر وظیفه‌ی مدیریت به نحوی جلوه‌گر است. مدیران تصمیمات خود را مبنی بر جدایی‌ناپذیری مدیریت به شمار می‌آید و در هر وظیفه‌ی مدیریت به نحوی جلوه‌گر است. مدیران تصمیمات خود را مبنی بر مجموعه‌ای از اطلاعات و در یک چارچوب ارزشی مشخص اتخاذ می‌کنند. حق آن است که مدیر هر سازمان در تک‌تک فرآیندها و تصمیماتی که خود یا زیردستان او اتخاذ می‌کنند، تأمل نماید تا مغایر با ارزشها، هنجارها و بطور کلی آموزه‌های فرهنگ سازمانی آن نباشد. این مسأله در موضوع مدیریت اسلامی اهمیت بیشتری می‌یابد؛ چرا که اصلی‌ترین مرحله‌ی استقرار نظام مدیریت اسلامی در سنجش فرآیندها و تصمیمات با گزاره‌های دینی در راستای اطمینان از عدم مغایرت آنها با موازین شرع و عقل است. این سنجش، معادل «محاسبه نفس» در آموزه‌های اخلاق اسلامی در باب رفتارهای فردی است که شامل مشارطه، مراقبه، و محاسبه می‌باشد.

اما سؤال این است که چگونه چنین سنجشی می‌تواند صورت گیرد؟ در راستای تحقق عملی مدیریت اسلامی لازم است تصمیمات مدیران مغایرتی با آموزه‌های دینی (شامل سه حوزه اعتقادات، احکام و اخلاق) نداشته باشد. بنابراین دو حالت زیر در شرایطی که مدیری تمایل به استقرار نظام مدیریت اسلامی دارد، متصور است. وی در هر دو حالت برای تصمیمات خود حجت شرعی داشته، تصمیمات معذّر و منجّز است و سازمان متبوع خود را در جهت کارایی و بهره‌وری و در طول هدف اصلی خلقت هدایت می‌کند. تمامی تصمیمات از جمله برنامه‌ریزی، سازماندهی، کنترل و رهبری براساس موازین شرعی صورت می‌گیرد و به عبارتی نگرش اسلامی بر فرآیندهای مدیریت رایج حاکم است.

#### - مدیر مجتهد

در این حالت که ایده آل‌ترین نوع در مدیریت اسلامی است، مدیری را تصور می‌کنیم که علاوه بر دارا بودن تخصص در حوزه‌ی مدیریت، در حوزه دین نیز

متخصص (مجتهد) بوده و قادر است فرآیندها و تصمیمات مدنظر خود را با موازین شرع و عقل سنجیده و در صورت تشخیص عدم مغایرت، آنها را بکار گیرد.

### - مدیر غیر مجتهد

از آنجا که تحقق عملی حالت اول بسیار محدود بوده و افراد کمی را می‌توان تصور کرد که هم تخصص مدیریتی داشته و هم دارای تخصص دینی باشند، در این صورت مدیر باید بتواند این خلاء را با استفاده از مشاورین متخصص در امر دین و یا اقلأً با به کارگیری یکسری اصول و قوانین کلی برطرف نماید. اما از آن رو که استفاده از مشاورین دینی برای همه‌ی سطوح مدیریتی در تمامی سازمانها چندان مقدور نیست، لازم است مجموعه‌ی مدونی از قوانین و اصول کلی دین مرتبط با مسائل مختلف مدیریتی (نظام مدیریتی اسلام) در دسترس مدیران قرار گیرد تا بتوانند با مراجعه به آن در حد امکان از عدم مغایرت تصمیمات خود با آموزه‌های شرع مقدس اطمینان حاصل نمایند. این قوانین باید با هم فکری مجموعه‌ای از خبرگان مدیریت و مجتهدین نگاشته شده و در اختیار مدیران قرار گیرد تا همانگونه که می‌توانند با استناد به قوانین مختلف اعم از قانون کار، قانون تجارت و غیره از غیر قانونی نبودن تصمیماتشان اطمینان حاصل نمایند، قادر باشند با مراجعه به این قوانین نیز از غیر شرعی نبودن تصمیمات مدیریتی خود در هر حوزه‌ای (مالی، منابع انسانی، بازاریابی و...) تا حد امکان مطمئن شوند. لذا بر مجتهدان واجد شرایط آگاه به زمان لازم است، با مراجعه به منابع دین، نظام مدیریتی اسلام را ضابطه مند استخراج و تدوین و تنظیم نمایند تا مدیران با استفاده از عقلانیت، اعمال و وظایف خود را در آن چارچوب در جهت رسیدن به اهداف سازمانی شکل بدهند.

به نظر می‌رسد این اصول باید کلی باشند؛ تا مدیران بتوانند مسائل جزئی مدنظر خود را به این اصول ارجاع دهند. طبیعتاً چنین اصولی صرفاً مربوط به مدیریت نیست و در سایر حوزه‌ها نیز مورد توجه قرار می‌گیرند. این اصول از جنس باید‌ها و نباید‌های فقهی (احکام) و رجحان‌های اخلاقی (اخلاق) می‌باشند که منابع اصلی استخراج آنها کتاب و

سنت است. بنابراین الزام اصلی تحقق نظام مدیریت اسلامی طراحی قواعد فقهی و اخلاقی مدیریت است تا پیش روی مدیران قرار گیرد. و این قواعد فرهنگ سازمانی را شکل داده و تصمیمات سازمانی در این چارچوب اتخاذ شوند تا در نهایت بازدهی و افزایش کارایی سازمان در مسیر پرستش خداوند متعال محقق گردد. البته در نظام مدیریت اسلامی، مدیران همواره در پی استفاده از راهکارهای موجود نخواهند بود، بلکه طرح نظرات و راهکارهای بدیع از سوی ایشان از نیازهای نظام مدیریت اسلامی است که می تواند مکمل گزاره های دانش آن باشد.

نهایتاً اینکه مدیریت اسلام حاصل همه ی این گزاره های دانشی است ولذا منظومه ای که حاصل مدیریت مدیران مسلمان در چارچوب های اسلام است مصاحبتاً مدیریت اسلامی نامیده می شود. (حسینی مشهدی، اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، ۱۴۰۰، ص ۵۵-۵۶)

## ۷. اصول اخلاقی مدیریت و اجرای آن روی مقامات دولتی

### ۷,۱ ترغیب حس پاسخگویی و مسئولیت پذیری

اصول اخلاقی مدیریت باعث می شود که یک مدیر نسبت به وظایف اداری اش مسئولیت پذیر باشد و انگیزه ای را در او ایجاد می کند تا کارها را طبق منافع زندگی اجتماعی پیش برد. این اصول به اجرای وظایف مختلف به شکل صحیح کمک می کند که باعث تضمین ارائه کارآمد خدمات شده و انگیزه ای را برای انجام کارها با جدیت به منظور برآوردن مسئولیت ها ایجاد می کند

(Salleh & Mohamad, Islamic principles of administration: implications on practices in organization, ۲۰۱۲, p.p ۵۳-۷۱). این اصول می تواند باعث کاهش خودبزرگی بینی، فساد، پارتی بازی، باندبازی، نژادپرستی، غریب نوازی، بی منطقی، و طفره روی مدیریتی شود و در نتیجه کاهش محیط کاری سالم و کاهش تطبیق اصول اخلاقی مدیریتی شود و بنا به گفته محققان این خصوصیات در میان کارکنان مسلمان

وجود ندارد. اصول اخلاقی باعث ایجاد دلگرمی در انجام وظایف و فعالیت‌های محول شده به سازمان می‌شود و باعث اصلاح اشتباهات مربوط به رفتارهای ذاتی خواهد شد و بیانات پیامبر در مورد اصول اخلاق کاری بر مبنای واگذاری وظایف مدیریتی به افراد معتمد و قابل اطمینان است که پرهیزکاری را در حین انجام وظایف‌شان به همراه دارد (نجاری، کرامتی انسانی و سازمان، ۱۳۸۵، ص ۲۱۲).

پاسخگویی در اسلام بسیار حائز اهمیت است و باعث می‌شود که فرد در انجام وظایف‌شان در برابر خدا پاسخگو باشد. مؤلفه‌های مهم پاسخگویی در اسلام حاصل شریعت و قوانین الهی اسلام است. پاسخگویی به عنوان اصول اصلی اسلام است که به معنای پاسخگویی در برابر خدا نسبت به تمام فعالیت‌هایی که به اعتقاد مسلمانان مهم است، می‌باشد.

(Husin & Norhasniah, Work ethics from the Islamic perspective in Malaysia, (۲۰۱۲), p.p ۵۱-۶۰)

همچنین، این بحث مطرح می‌شود که اولویت زندگی مسلمانان بر مبنای اعتقاد به فرشتگان، کتاب، پیامبر، آخرت، و پاسخگویی انسان نسبت به اعمالش در برابر خدا است.

(Cowan, The Hans Wehr Dictionary of modern Written Arabic, ۱۹۷۶: p. ۷۲), (Mervyn, Accountability and Islam, (۲۰۰۶): p. ۸۶)

دین اسلام انسان را ملزم می‌کند تا نسبت به امور مشترک (یعنی امور اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، قضایی، مدیریتی و جنبه‌های معنوی) زندگی‌اش از زمان تولد تا مرگ پاسخگو باشد. همچنین اسلام هر فرد را در حرفه‌اش به عنوان یک شهروند عادی، مدیر، حاکم، سیاست‌مدار، اقتصاددان، تاجر، یا دانشمند، پاسخگو می‌داند. طیف گفته سنت پیانبر بزرگ «هر یک از شما یک قیم هستید و هر قیم دارای مسئولیتی نسبت به اموراتش است. پاسخگویی این توانایی را به انسان می‌دهد تا به مدیریت اموراتش پرداخته و این مسئولیت‌پذیری نشان‌دهنده اصول اخلاقی است که باعث شکل‌گیری شخصیت افراد می‌شود. حتی اسلام دستور می‌دهد که در برابر یک حاکم سیاه‌پوست که نسبت به وظایفش در برابر خدا پاسخگو



است، اطاعت کنیم. و به گفته پیامبر اعظم در آخرین خطابه‌هایش «ای مردم، حتی از فرد سیاه‌پوستی که به عنوان فرمانده تان انتخاب شده، اطاعت و فرمانبرداری کنید».

## ۲,۲ ترغیب به کسب دانش و حفظ نظم

نظم به عنوان شیوه‌ای برای ترغیب افراد برای تبعیت از قوانین و نظامنامه‌های اخلاقی به منظور اصلاح نافرمانی، سوءمدیریت و سوءرفتار است. اسلام به عنوان یک دین منظمی است که مردم را دعوت به نظم و ترتیب به منظور کسب موفقیت در زندگی و تحول در رفتارهای درونی یا ارزش‌های اخلاقی می‌کند. در کشورهای مرفه، نظم به عنوان مکانیسمی برای ارائه خدمات و کالا به شهروندان است. مدیریت دولتی شامل عقلانیت و نظم برای اجرای سیاست‌ها به منظور تضمین اجرای امور دولتی به نحو احسن است. اگر اقدامات انتظامی تدوین شود، منجر به بسیج سیستم ارزش انسانی برای اجرای امور مادی و همچنین پیشبرد معنویت می‌شود که در نهایت باعث بهبود فرایند تصمیم‌گیری خواهد شد. نظم در اسلام بر مبنای پیروی از شریعت (یعنی قرآن و سنت) است که اصول اخلاقی بخش جدایی‌ناپذیری از آن است. در این رابطه، نظم جز با پذیرش ارزش‌های اسلامی نمی‌تواند جنبه عمل به خود بگیرد. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در گفتار و کارهایتان اولویت‌تان را جز خدا و پیامبرش (حضرت محمد که درود خدا بر او و خاندانش باد) روی چیز دیگری قرار ندهید. به خداوند توسل نمایید. بدون شک او شنونده و قادر مطلق است.

اصول اخلاق اداری در اسلام باعث ایجاد نظم در میان مستخدمین دولت می‌شود و این نظم همیشه باعث فرو نشانیدن بی‌ثباتی و باعث بازگرداندن مکانیسم نظم روی زمین و ایجاد کردار خوب در انسان می‌شود. نجیب‌ترین شما نزد خدا، کسیست که دارای بهترین اعمال است (قرآن، سوره ۴۹ آیه ۱۳). در دین اسلام، نظم بر مبنای پایبندی محض به قوانین و مقرراتی است که خداوند به آخرین پیامبرش یعنی حضرت محمد نازل کرده است، به گفته قرآن «ما پیامبرانمان را با نشانه‌های واضحی و به همراهشان کتابی به منظور از بین بردن ناعدالتی، نازل نمودیم (قرآن، سوره حدید، آیه ۲۵). اصول اخلاق مدیریتی از مدیران می‌خواهد تا

آموزش‌هایی را کسب نموده و تبدیل به فرد لایقی شوند به گونه‌ای که دین اسلام در بکارگیری مقامات بر مبنای اعتماد و قابلیت‌هایشان پافشاری می‌کند. یک مدیر با بصیرت در انتخاب افراد لایق در فرایند استخدام دقت زیادی را به خرج می‌دهد تا خلاءهای مدیریتی را به واسطه نظم پر نماید. بعلاوه، لایق‌ترین فرد، انسان مقتدری است که به ساده‌ترین روش بتواند کارهای پیچیده را انجام دهد «براستی بهترین انسان در میان شما کسیست که قوی و قابل اعتماد باشد (قرآن سوره ۲۸، آیه ۲۶). پیامبر بزرگ از همه می‌خواهد تا بواسطه نظم و تعادل، به زندگی، دارایی و شرف انسانی احترام بگذارند. همچنین طبق دستورات قرآنی، هیچ ملتی نباید ملت دیگر را به سخره بگیرد که این گفته نشان‌دهنده مکانیسم واقعی نظم است.

### ۷,۳ اعتماد و بهبود اخلاقی مقامات دولتی

موثلفه‌های اصول اخلاقی مستخدمین کشوری در اسلام باعث تقویت اعتماد، رشد اخلاقی و اجرای آسان شریعت اسلامی می‌شود. هدف اصلی مدیریت اسلامی، افزایش و اجرای قوانین اسلامی است

(Lewis, Islam and accounting. In Accounting forum, (۲۰۰۱):  
pp. ۱۰۳-۱۲۷)

اصرار دین اسلام بر مبنای حفظ کامل اعتماد به خداوند و بندگانی است که صلاحیت آن‌ها اثبات شده است تا به تضمین ثبات فرایند مدیریتی موثر و کارآمد پردازند و طبق گفته قرآن «خداوند به شما حکم می‌کند تا اعتمادتان را به سمت کسانی سوق دهید که شایسته هستند و زمانی که بین افراد قضاوت می‌کنند، این قضاوت همراه با عدالت باشد؛ و براستی بهترین فرد برای استخدام کسیست که قوی و قابل اعتماد باشد (قرآن سوره ۲۸: آیه ۲۶). بعلاوه خداوند به شما حکم می‌کند که در حوزه صدور احکام دولتی با خلوص نیت به افراد اعتماد کنید زیرا این ویژگی به عنوان بخش مهمی از نهادهای اخلاقی است. به این ترتیب، زمانی که حضرت ابوبکر وظیفه رهبری امت را پذیرفت، در اولین خطابه خود اعلام نمود که: ای مردم، من به عنوان رهبرتان انتخاب شدم، اما بهتر از شما نیستم. اگر کارها را به خوبی

انجام دادم، به من کمک کنید؛ اما اگر کار اشتباهی از من سر زد، در برابر من بایستید. صداقت همان اعتماد است و فریب همان خیانت به حساب می آید. تا زمانی از من اطاعت کنید که من از خدا و پیامبرش اطاعت می کنم، اما اگر در برابر خدا و پیامبرش نافرمانی کردم، شما نیز ملزم به اطاعت از من نیستید».

دستیابی به نعمات خداوند قادر در ورای طاعت از اوست که با پذیرش ارزش های اخلاقی اسلام در هر جنبه از زندگی تان (یعنی جنبه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، شرعی و اجرایی) جنبه عمل به خود می گیرد. از این لحاظ در دین اسلام، امانت همردیف عبادت قرار می گیرد که انسان را به خدای قادر نزدیک می کند. اعتماد باعث می شود که مقامات دولتی، بالاترین استانداردها را در تمام فعالیت هایشان در زمینه خدمات دولتی رعایت کنند و مقامات دولتی را تشویق می کند تا به تضمین تقویت ادارات دولتی و پیاده سازی ارزش های اخلاقی، اثربخشی، کارایی و بیشترین تلاش در خدمت به مردم پردازند. اصول اخلاقی مدیریت باعث رشد اخلاقی مقامات دولتی می شود و خصوصیات بد افراد را از بین می برد. در عین حال، تشریفات اداری اضافی باعث جلوگیری از پیشرفت افراد و دسترسی به جایگاه مناسب در جامعه و در نتیجه فروپاشی تمدن می شود.

#### ۷،۴ ایجاد عدالت اجتماعی به عنوان معیاری برای مدیریت

ارزش های اخلاقی باعث نرمش شخصیت افراد بکارگیری خلاقیت شان برای جریان سازی عدالت در زمین می شود. هدف اصلی مدیریت اسلامی، پیاده سازی شریعت اسلامی بر مبنای رفاه کامل و عدالت است

(Drechsler, hat is Islamic Public Administration and why should westudy it in the"Second World"?, ۲۰۱۴, p.p. ۱۲۳-۱۴۲)

تنها هدف و ماموریت اسلام حفظ عدل (عدالت) است که به معنای قرارگیری هر چیزی در سر جای خود است به صورتی که قرآن کریم از مردم می خواهد تا امور خود را از طرق عدالت حفظ کنند «مردم به حفظ اموراتشان از طریق عدل پردازند (قرآن سوره ۵۷، آیه ۲۵).

اولویت اصلی در ایجاد تمدن جز از طریق اجرای قوانین و ایجاد توازن اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و جنبه‌های فرهنگی جامعه، امکان پذیر نیست.

عدالت در اسلام نه تنها به معنای رفتار یکسان با هر فرد، بلکه به معنای حفظ انصاف در برابر تمام موجودات زنده است. مدیریت اسلامی دارای مسئولیت اجرای تمام مؤلفه‌های ضروری عدالت در زمین است. در این رابطه، هیچ کسی نباید به حیوانات و نباتات به واسطه بی‌رحمی‌اش آسیب برساند. عدالت در شخصیت افراد به شکل صداقت، نزاکت، تقوا، مهربانی، و آرامش کامل برای خود و دیگران نمایان می‌شود. مدیریت اسلامی به اجرای شریعت می‌پردازد که برای صلح جهانی و عدالت اجتماعی ضروری است بصورتیکه عدالت در اسلام به دور از محدودیت‌ها بوده و ماهیتاً بصورت جهانی است

(Drechsler, hat is Islamic Public Administration and why should westudy it in the"Second World"?, ۲۰۱۴, p.p. ۱۲۳-۱۴۲)

بعلاوه، هدف مدیریت دولتی در اسلام، مدیریت عدالت است بصورتیکه سنت پیامبر بزرگ، مبتنی بر حفظ عدالت به هر قیمتی است حتی اگر در برابر منافع شخص باشد. «حقیقت را بگوئید حتی اگر برخلاف منافع خویشاوندانتان باشد. عدالت اسلامی عاری از هر گونه تبعیضی از لحاظ رنگ پوست، اعتقادات، نژاد، جغرافیا، زبان، و ادبیات است. از این رو، این جامعه را نمی‌توان طبق اصل عدم توازن و گسترش محدودیت‌های عدالت برای افراد مومن و غیرمومن اداره کرد زیرا مدیران داری مسئولیت توزیع عدالت بطور یکسان در بین اقوام عرب، بلوچی، ایرانی، هندی، اروپایی، چینی، و پنجابی هستند. انحطاط دولت اسلامی در دوره معاصر به دلیل تمایلات دنیوی و حرص قدرت حاکمان پس از خلیفه ارتودکس همچون عمر ابن عبدالعزیز و المعمون است و نیاز به کنترل و موازنه به منظور اجرای اصول اسلامی مدیران در شکل واقعی است.

**۷,۵ ایجاد شفافیت و انصاف**

اسلام دستوراتی به منظور حفظ شفافیت و مجموعه فعالیت‌های مدیریتی بر مبنای عقلانیت، بی‌طرفی، عدم جانبداری، انصاف و شفافیت می‌دهد. هدف اصلی قرآن، ایجاد نظم اجتماعی است که بتوان ان را در زمین و بر مبنای عدالت و اصول اخلاقی به اجرا در آورد.

(Qadri, The Administration of Prophet Muhammad (PBUH) and Its Impact on the Contemporary, (۲۰۱۶), p ۱۱)

شفافیت به معنای ایجاد مجموعه‌ای از فعالیت‌ها بر مبنای آزادی گردش اطلاعات است و این اصلی است که به تضمین آزادی دسترسی یا دسترسی اطلاعات توسط افراد در مورد حاکمیت، و فرایند ایجاد، پیاده‌سازی، و کسب نتایج سیاسی است. شفافیت به عنوان ویژگی بارزی در موعظه‌های پیامبر بزرگ و توجه به پیروانش در سنت پیامبر است (بهترین انسان‌ها کسانی هستند که خیری به انسان‌های دیگر برسانند). علاوه دین اسلام برای حفظ شفافیت با تدلیس مقابله می‌کند و طبق گفته قرآن کریم «با کسانی که تدلیس می‌کنند مقابله کنید».

شفاف‌سازی از طریق آشکارسازی چهره واقعی حقایق صورت می‌گیرد و شفافیت مدیریتی شامل فعالیت‌های مدیریتی کامل و آزادی است که شامل تمام جنبه‌های روابط قراردادی بین مراجع و افراد است. «افرادی که دچار اشتباهاتی می‌شوند، حاکم بیش از هر کس دیگری باید این اشتباهات را بپوشاند، بنابراین اشتباهاتی که نزد شما پوشیده است را افشا ننمایید- یعنی ضروری است که اشتباهاتی که نزد شما آشکار شده است را اصلاح نمایید. خداوند قضاوت می‌کند که چه چیزهایی نزد شما نهفته باقی می‌ماند. بنابراین تا حدی که می‌توانید اشتباهات را بپوشانید. تا جاییکه می‌توانید درد و رنج مردم را کم کنید (امام علی- در نامه‌اش به مالک اشتر). بررسی‌ها نشان داده است که کیفیت ارائه خدمات عمومی باعث کاهش احتمال تخلفات در پروسه‌های مدیریتی می‌شود.

(Al – Attas, Islam and secularism. Kuala Lumpur, ۱۹۷۸: p ۳۵)

اصول شفافیت و پاسخگویی در قرآن به تضمین گزارش و کنترل اجتماعی، مشارکت گسترده مردمی، خدمات داوطلبانه عمومی، صداقت، خودمختاری، و مسئولیت‌پذیری

می‌شود به گونه‌ای که شکل‌های مختلف انحراف همچون فساد و تبغیض را می‌توان کنترل و از آن جلوگیری کرد.

### ۸. نتیجه‌گیری

مدیریت دولتی در اسلام شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی است که طبق آن سیاست شریعت باید به اجرا در آید. خداوند انسان عاقل را در زمین خلق کرد تا قوانین الهی را جنبه عمل ببوشاند و آن‌ها را سرلوحه زندگی‌اش قرار دهد و به انسان دستور داده که مطیع باشد و به دستورات و احکامش عمل کند. اصل مهم مدیریت اسلامی بر مبنای اجرای شریعت و پیاده‌سازی سیاست‌های عمومی است که بر اساس منابع مختلف اسلامی ایجاد شده است که شورا نقش مهمی در طراحی سیاست شریعت از طریق تفسیر متون اسلامی دارد. هدف مدیران در حکومت اسلامی، اطاعت از قوانین و ارزش‌های بنیادین اسلام بر مبنای یگانگی خدا، پرستش، امر به معروف و نهی از منکر، از بین بردن ناعدالتی، خدمت به مردم، توزیع عدالت اجتماعی، انصاف و رعایت واجبات دینی و تلاش برای جلب رضایت دیگران است. طبق گفته سنت پیامبر اکرم «حاکمی که به منصب قدرت برسد اما تلاش خالصانه‌ای در این حوزه نکند، هرگز با مسلمانان دیگر وارد بهشت نمی‌شود. در پایان اینکه، رهبران اسلامی باید به دنبال اصول اخلاقی مدیریت اسلامی همچون صداقت، تقوا، کردار اخلاقی و رفاه در زمینه برخورد با دیگران باشد.

### فهرست منابع:

فارسی:

۱. قرآن کریم
۲. نجاری رضا، «کرامت انسانی و سازمان»، چ ۳، مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران، تهران، (۱۳۸۵)
۳. حسینی مشهدی، سید صدرالدین، «درسنامه اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام»، بی‌جا، (۱۴۰۰).

انگلیسی:

١. Drechsler. W. Islamic public administration in Europe In The Palgrave Handbook of Public Administration and Management in Europe (pp. ١٠٣١-١٠٤٧). Palgrave Macmillan, London(٢٠١٨).
٢. Samier. E. Islamic Public Administration Tradition: Historical. Theoretical and Practical Dimensions. Administrative Culture, ١٨ (١), ٥٣-٧١.(٢٠١٧).
٣. Salleh. M. J., & Mohamad, N. Islamic principles of administration: implications on practices in organization. In Technology, Science, Social Sciences and Humanities International Conference, Langkawi, Malaysia. (٢٠١٢).
٤. cowan J.M. (ed): The Hans Wehr Dictionary of modern Written Arabic" New. States. (١٩٧٦).
٥. cowan J.M. (ed): The Hans Wehr Dictionary of modern Written Arabic, ١٩٧٦: p ٧٢). (١٩٧٦)
٦. Prof. Dr. Muhammad Ahmed Qadri. Suwaibah Qadri and Dr Lubna Ahsan, The Administration of Prophet Muhammad (PBUH) and Its Impact on the Contemporary Journal of Philosophy, Culture and Religion, ISSN ٢٤٢٢-٨٤٤٣ An International Peer - reviewed Journal Vol.١٧, ٢٠١٦.
٧. Lewis, M. K. , Islam and accounting. In Accounting forum (Vol. ٢٥. No. ٢, pp. ١٠٣-١٢٧). Blackwell Publishers Ltd (٢٠٠١. June).
٨. Mervyn K Lewis Accountability and Islam, Fourth International Conference on Accounting and Finance in Transition, (٢٠٠٦).
٩. Husin, W. N. W., & Norhasniah, W. Work ethics from the Islamic perspective in Malaysia. European Journal of Social Sciences. ٢٩ (١), ٥١-٦٠ (٢٠١٢).
١٠. Wolfgang Drechsler."What is Islamic Public Administration and why should westudy it in the"Second World"? "Administrative Culture ١٥ (٢). ١٢٣-١٤٢ (٢٠١٤).
١١. Al - Attas, SMN. Islam and secularism. Kuala Lumpur: Angkatan Belia Islam Malaysia, (١٩٧٨).

۱۲. Abu al - ' Ala al - Maududi. Islamic way of life. Karachi: Islamic Research Academy, (۱۹۶۷).
۱۳. Rokhman. W. The effect of Islamic work ethics on work outcomes. EJBO Electronic Journal of Business Ethics and Organization Studies, (۲۰۱۰).
۱۴. Shaltout, M. Islam: Creed and Law. (M. Haddara & W. Haddara. Trans). Cairo: Shorouk International. (Original work published ۲۰۰۱), (۲۰۰۴).
۱۵. Rahman. F. Major themes of the Qur'an. Minneapolis, Bibliotheca Islamica, (۱۹۸۰).
۱۶. An Islamic Perspective. Bangladesh Institute of Islamic Thought (BIIT) Research in Public Administration, (۲۰۰۵).
۱۷. Esposito, J.L. What everyone needs to know about Islam. New York: Oxford University, (۲۰۰۲).
۱۸. Emdadul Haq, M. Orientation of accountability in Islam. The Daily Star. Published On: ۲۰۱۰-۰۸-۲۶, (۲۰۱۰).
۱۹. Jamal. J. Administration of the Islamic Judicial System: An Overview. Mimbar Hukum - Fakultas Hukum Universitas Gadjah Mada, ۲۲ (۳), ۴۰۹-۴۳۳, (۲۰۱۰).
۲۰. Chandio, A. R. Haider. Z., Ahmed, S. Ali, M., & Ameen. I. E – Government in Pakistan: framework of opportunities and challenges. gsj. ۶ (۱۲).
۲۱. Bearman et al. ۲۰۰۹, Akhlaq, (۲۰۱۸).